

[**فصل فی الستر و الساتر** 2](#_Toc509330746)

[**حکم نظر به وجه و کفین زن أجنبی** 2](#_Toc509330747)

[***أدله قول مشهور (حرمت نظر)*** 2](#_Toc509330748)

[**استدلال به آیات** 2](#_Toc509330749)

[**آیه دوم** 2](#_Toc509330750)

[***مناقشه*** 2](#_Toc509330751)

[***جواب مرحوم خویی در کتاب النکاح*** 2](#_Toc509330752)

[**تفسیر مرحوم خویی از ﴿وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ﴾** 3](#_Toc509330753)

[***جواب مرحوم بروجردی*** 3](#_Toc509330754)

[**تفسیر مرحوم بروجردی از آیه ﴿وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ﴾** 4](#_Toc509330755)

[***اشکال در جواب مرحوم خویی*** 5](#_Toc509330756)

[***اشکال در جواب مرحوم بروجردی*** 6](#_Toc509330757)

[***جواب استاد از مناقشه*** 7](#_Toc509330758)

[**تفسیری دیگر از آیه ﴿وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ﴾** 8](#_Toc509330759)

[**آیه سوم** 8](#_Toc509330760)

[**مناقشه أول** 8](#_Toc509330761)

[***جواب از مناقشه*** 9](#_Toc509330762)

[**مناقشه دوم** 10](#_Toc509330763)

[**استدلال به روایات** 10](#_Toc509330764)

**موضوع**: حرمت نظر به وجه و کفین زن أجنبی /فصل فی الستر و الساتر /کتاب الصلاة

**خلاصه مباحث گذشته:**

در جلسه قبل از حکم حرمت نظر به غیر وجه و کفین زن أجنبی و حرمت نگاه به قدمین زن أجنبی بحث شد. و در ادامه وارد بحث نظر به وجه و کفین زن أجنبی شدیم سه قول در این مسأله مطرح شده است. مشهور قائل به حرمت نظر به وجه و کفین زن أجنبی شده اند و بر این مطلب به آیات و روایات استدلال شده است. دو آیه را در جلسه قبل مورد بحث قرار دادیم و در این جلسه بقیه آیات را بررسی کرده و وارد استدلال به روایات می شویم.

**فصل فی الستر و الساتر**

**حکم نظر به وجه و کفین زن أجنبی**

***أدله قول مشهور (حرمت نظر)***

بحث راجع به أدله مشهور برای اثبات حرمت نظر به وجه و کفین زن أجنبیه بود.

ابتدا از آیات شروع کردیم؛

**استدلال به آیات**

**آیه دوم**

به آیه شریفه ﴿وَ لاَ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاَّ لِبُعُولَتِهِنَّ﴾ [که بخشی از آیه 31 سوره نور است: ﴿وَ قُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَ يَحْفَظْنَ فُرُوجَهُنَّ وَ لاَ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاَّ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ وَ لاَ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاَّ لِبُعُولَتِهِنَّ...﴾] رسیدیم که دلالت می کند بر این که «کشف جسد نزد مرد أجنبی حرام است» و به ملازمه، حرمت نظر مرد أجنبی ثابت می شود زیرا قبلاً بیان کردیم که بین این که به زن بگویند صورت خود را از نامحرم بپوشان و بین این که به نامحرم بگویند حرام است به صورت زن أجنبیه نگاه کنی، ملازمه وجود دارد.

***مناقشه***

**مرحوم خویی در کتاب الصلاة فرمودند**: زینت ظاهری از این آیه استثناء شده است:

﴿وَ لاَ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاَّ مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ و در معتبره مسعدة بن زیاد وجه و کفین را از زینت ظاهری می شمارد: عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ فِي قُرْبِ الْإِسْنَادِ عَنْ هَارُونَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ مَسْعَدَةَ بْنِ زِيَادٍ قَالَ سَمِعْتُ جَعْفَراً وَ سُئِلَ عَمَّا تُظْهِرُ الْمَرْأَةُ مِنْ زِينَتِهَا قَالَ الْوَجْهَ وَ الْكَفَّيْنِ.[[1]](#footnote-1) و لذا آیه ﴿وَ لاَ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاَّ لِبُعُولَتِهِنَّ﴾ بر وجوب ستر وجه و کفین دلالت نمی کند.

***جواب مرحوم خویی در کتاب النکاح***

**در کتاب النکاح فرمود**: ما اشتباه کردیم و آیه ﴿وَ لاَ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاَّ مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ مربوط به حکم ابدای زینت فی حدّ نفسه است؛ یعنی زن فی حدّ نفسه، یعنی تا علم به وجود مرد أجنبی پیدا نکند، می تواند وجه و کفین خود را باز بگذارد و لکن اگر علم به وجود ناظر أجنبی پیدا کند در جمله بعد داخل می شود که ﴿وَ لاَ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاَّ لِبُعُولَتِهِنَّ﴾ که در این قسمت حتّی زینت ظاهری را هم می گیرد و استثناء ندارد لذا نباید ابدای زینت کنند و به نامحرم نشان دهند.

پس آیه ﴿وَ لاَ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاَّ مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ مربوط به صورتی است که علم به وجود مرد أجنبی پیدا نکند. البته اگر علم به عدم وجود أجنبی داشته باشد که زینت باطنی را هم لازم نیست بپوشاند مثل این که در حمام بدون پوشش است. ولی اگر در وجود أجنبی شک داشت وجه و کفین خود را می تواند باز بگذارد و غیر وجه و کفین را نمی تواند باز بگذارد. و وقتی علم به وجود ناظر أجنبی پیدا می کند وجه و کفین خود را نیز باید بپوشاند.

**ایشان فرموده است:** روایات هم موافق با این تفسیر ما است و روایات هم دو دسته اند؛

مثلاً مورد معتبره أبی بصیر فقره أول است و آن را معنا کرد که مراد از زینت ظاهری انگشتر و النگو است: وَ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ إِسْحَاقَ عَنْ سَعْدَانَ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ لا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ- إِلّا ما ظَهَرَ مِنْها قَالَ الْخَاتَمُ- وَ الْمَسَكَةُ وَ هِيَ الْقُلْبُ[[2]](#footnote-2)

ولی مورد صحیحه فضیل فقره دوم آیه است و آن را معنا کرده است؛ مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ عِدَّةٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ جَمِيلٍ عَنِ الْفُضَيْلِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ ع عَنِ الذِّرَاعَيْنِ مِنَ الْمَرْأَةِ- هُمَا مِنَ الزِّينَةِ الَّتِي قَالَ اللَّهُ وَ لا‌ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلّا لِبُعُولَتِهِنَّ قَالَ نَعَمْ- وَ مَا دُونَ الْخِمَارِ مِنَ الزِّينَةِ وَ مَا دُونَ السِّوَارَيْنِ.[[3]](#footnote-3)

**تفسیر مرحوم خویی از ﴿وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ﴾**

**أما این قسمت**؛ ﴿وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ﴾؛ ظاهراً مرحوم خویی این قسمت را به ﴿وَ لاَ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاَّ مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ زده است یعنی هر چند ﴿وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ﴾ جواز بر کشف وجه است ولی در جایی که علم به وجود ناظر أجنبی نباشد و در وجود ناظر أجنبی شک وجود داشته باشد.

***جواب مرحوم بروجردی***

مرحوم بروجردی [که قائل به وجوب ستر وجه و کفین است (البته فرموده است ما احتیاط واجب می کنیم) و قائل به حرمت نظر به وجه و کفین أجنبیه است و فرموده است حتّی اگر کشف وجه و کفین بر زن جایز باشد، أدله دلالت بر حرمت نظر به وجه و کفین أجنبیه می کند.] آیه را این گونه توجیه می کند که:

آیه می گوید می توانید زینت ظاهری را ابداء کنید و احتمال دارد که مراد از زینت ظاهری، ثیاب (لباس ها) باشد مثل چادر، مانتو، روسری که زینت ظاهری اند.

**بله معتبره مسعدة بن زیاد گفت که**: مراد از زینت ظاهری، وجه و کفین است ولی این روایت موافق روایتی است که عامه از ابن عباس نقل کرده اند و خلاف روایتی است که ابن مسعود نقل کرده است که زینت ظاهری را به ثیاب معنا کرده است.

**و ما به این روایت هر چند معتبره است عمل نمی کنیم زیرا:** معرض عنه أصحاب، فتویً و عملاً، می باشد. و أصلاً این که زن در حالی که ناظر أجنبی او را می بیند، وجه و کفین خود را باز بگذارد، بین مؤمنین از منکرات تلقّی می شود و لذا ممکن است مراد از زینت ظاهری در آیه﴿وَ لاَ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاَّ مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾، ثیاب ظاهری است در مقابل ثیاب باطنی؛ یعنی همین لباس های فاخری که زن ها می پوشند.

و لازم نیست استثناء تأسیس و مفید معنایی باشد که بر مردم پنهان است؛ مثل این که شما می گویید من از هیچ کس غیر از خداوند نمی ترسم که اگر این استثناء هم مطرح نمی شد، مشخص بود ولی برای تأکید آن را بیان می کنید. در اینجا هم آیه می گوید: «زینت باطنی را ابداء نکنند، حال آن زینت ظاهری هیچ» یعنی آیه در مقام بیان «ولا یبدین زینتهنّ» است و تأکید کلام در این قسمت است و در مقام بیان این نیست که «بدانید کشف زینت ظاهری جایز است» تا اگر مراد از زینت ظاهری لباس باشد، مردم بگویند این مطلب معلوم است و نیاز به بیان ندارد.

لذا طبق این معنا از آیه: زن باید تمام زینت خود را از جمله وجه و کفین را بپوشاند و تنها لباس های فاخری که دارد ابدائش اشکال ندارد.

**تفسیر مرحوم بروجردی از آیه ﴿وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ﴾**

**ایشان فرموده است:** معنای ﴿وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ﴾ این است که روسری خود را پشت سر نبندید بلکه روی گریبان خود بیندازید.

ولی دلیل دیگر داریم که در مقابل ناظر أجنبی باید با جلباب یا إزار که به معنای چادر است روی خود را بپوشاند؛ با خمار سینه و گریبان خود را بپوشاند و اگر نامحرمی را دید که در مقابل اوست آیه ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلاَبِيبِهِنَّ ذلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلاَ يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً﴾[[4]](#footnote-4) می گوید جلباب را روی خود بیفکند.

و ایشان فرموده است «أدنی علیه من جلبابه» یعنی جلبابش را روی خودش أفکند و این جمله را به «یدنین منهنّ» معنا نکنید زیرا «أدنی منه» یعنی «قرّبه إلیه» که در کتاب مسأله حجاب این گونه معنا کرده است که روسری بزرگ خود را به خودشان نزدیک کنند و مثل برخی از بد حجاب ها که روسری آن ها شل یا باز است و صرفاً تشریفاتی روسری را روی سر می اندازند، نباشند بلکه محکم ببندند تا نشانه این باشد که زن عفیفی هستند.

مرحوم بروجردی فرموده است در آیه «یدنین منهنّ یا إلیهنّ» ندارد بلکه در آیه تعبیر «یدنین علیهنّ» آمده است و «أدنی علیه» یعنی «أرخی علیه» و ساتر را بر روی او افکند. و معنای آیه این است که جلباب را (که به معنای روسری بزرگ یا پارچه بزرگ است البته پارچه بزرگ معنای بهتری است زیرا روسری مخصوص زنان است در حالی که تعبیر جلباب در مورد مرد ها نیز استعمال می شود.) روی خودشان بیندازند و روی خودشان بیندازند یعنی روی صورت خود بیندازند. و روایات دیگر نیز هست.

***اشکال در جواب مرحوم خویی***

به نظر ما فرمایش مرحوم خویی ناتمام است و انصافاً این گونه معنا کردن آیه، عرفی نیست و معنای این تفسیر این است که ﴿وَ لاَ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاَّ مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾، مختص به حال شک در وجود ناظر أجنبی است یعنی اگر شک در وجود ناظر أجنبی دارید تنها می توانید وجه و کفین را ابداء کنید ولی اگر علم به وجود أجنبی دارید باید وجه و کفین را هم بپوشانید. این معنا از کجای این آیه استفاده می شود؟! در این آیه که شک و علم أخذ نشده است. و عرفاً اگر زنی در وجود ناظر أجنبی شک داشت و روی خود را نپوشاند و گفت ان شاء الله ناظر أجنبی وجود ندارد و بعد معلوم شد که ناظر أجنبی وجود داشته است آیه در اینجا صدق نمی کند که این زن وجه خود را برای غیر بعلش ابداء کرد و خلاف این آیه عمل کرد که «و لایبدین زینتهنّ إلا لبعولتهنّ» و تنها می گوید حواسم نبود و شک داشتم و فکر می کردم ناظر أجنبی وجود ندارد. در اینجا «ابدای لغیر بعلها» صادق است حتّی «أبدت وجهها لغیر بعلها» صادق است و برای صدق آن لازم نیست که علم و التفات وجود داشته باشد و ابداء با قصد انجام شود.

و بر فرض، ذیل آن مربوط به مورد علم باشد، صدر آیه را بر خصوص فرض شک حمل کنیم عرفی نیست و قدرمتیقّن از ﴿وَ لاَ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاَّ مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ که عرف می فهمد فرض علم به وجود ناظر أجنبی است.

**و أمّا این که فرمودند:** روایات دو طائفه است و برخی که وجه و کفین را استثناء کرده است آیه ﴿وَ لاَ يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلاَّ مَا ظَهَرَ مِنْهَا﴾ را مطرح کرده است؛

**می گوییم:** روایت معتبره مسعدة بن زیاد وجه و کفین را ذکر کرده است ولی می گوید: سئل عما تظهر المرأة من زینتها که ظاهرش این است که سؤال شده از آنچه در مقابل ناظر أجنبی و هنگام علم به وجود ناظر أجنبی اظهار می شود.

و روایت صحیحه فضیل که راجع به آیه «و لایبدین زینتهنّ إلا لبعولتهنّ» صحبت کرده است در آن وجه و کفین نیامده است بلکه ذراع آمده است و ربطی به مورد روایت مسعدة بن زیاد ندارد. [یعنی این روایت دلالت نمی کند که آیه شامل وجه و کفین هم می شود تا بگوییم راجع به مورد روایت مسعدة صحبت می کند بلکه تنها مصداقی از مستثنی منه را ذکر می کند و می گوید ابدای ذراع برای غیر شوهر جایز نیست.]

***اشکال در جواب مرحوم بروجردی***

**أما فرمایش مرحوم بروجردی؛**

**این که ایشان فرمود**: «کشف وجه و کفین در عرف متشرّعه از منکرات بوده است و عملاً و قولاً از روایاتی مثل معتبره مسعدة بن زیاد و معتبره أبی بصیر اعراض شده است»؛

**می گوییم:** اعراض ثابت نیست و شیخ طوسی در تهذیب و استبصار و مبسوط تصریح به جواز وجه و کفین و جواز نظر به آن کرد.

**أما این که فرموده اند**: «اگر زنی در مقابل نامحرم صورت خود را باز می کرد در بین متشرعه از منکرات تلقّی می شده است»؛

**می گوییم**: در زمان ما که این طور نیست و فکر می کنم کم کم ستر وجه از منکرات تلقّی شود. زمان ایشان ستر وجه از منکرات بوده است ولی این مطلب ناشی از فتاوای فقهاء بوده است و نمی توان گفت که متصل به زمان معصوم بوده است. لذا ما احراز نکردیم که کشف وجه منکر بوده است به نحوی که متصل به زمان معصوم بوده باشد.

**أما این فرمایش ایشان که**: آِیه «ولیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ» نفی در جواز ابدای وجه نیست بلکه می گوید خمار را روی گریبان بیندازند و فرض نکرده است که غیر از خمار، جلباب و إزار ندارند.

**انصافاً این اشکال، اشکال خوبی است زیرا:**

 جلباب به تنهایی روی گلو را نمی پوشاند بلکه باید روسری را هم روی گریبان خود بیندازد و وقتی چادر می اندازد وقتی نامحرم را می بیند مناسب است که چادرش را روی صورت خود بیاورد تا نامحرم صورت او را نبیند ولی چه بسا اگر روسری خود را روی گریبان نیندازد این مقدار برای ستر زیر گردن و قسمت منحر کافی نباشد و یا این که در هنگامی که علم به وجود أجنبی ندارد لازم نیست صورت خود را بپوشاند ممکن است اتّفاقاً أجنبی گردن او را ببیند و تحریک شود لذا آیه فرموده است که خمار را روی گریبان خود بیندازند. لذا این فرمایش قابل توجّه است.

بله اگر دلیل داشتیم که پوشیدن جلباب و پوشیدن ازار که ایشان به معنای چادر گرفته اند، لازم نیست و تنها لبس خمار لازم است در این صورت آیه دلالت می کرد که کشف وجه جایز می باشد زیرا با خمار صورت پوشیده نمی شد و لکن آیه که نمی گوید پوشیدن جلباب و ازار لازم نیست لذا باید به أدله دیگر رجوع کنیم.

***جواب استاد از مناقشه***

**پس به نظر ما اشکال بر استدلال به این آیه این است که**:

در معتبره مسعدة بن زیاد و روایت أبی بصیر، وجه و کفین را از زینت ظاهری محسوب کرده اند که بر زن ابدای آن جایز است و این که مرحوم بروجردی فرموده اند که از این روایت اعراض شده است را قبول نداریم. و لکن جواز ابدای زینت ظاهری مساوی با جواز نظر نیست.

مشهور خواستند از این آیه حرمت ابدای وجه و کفین را اثبات کنند و بگویند لازمه ی آن حرمت نظر به وجه و کفین است ولی ما گفتیم وجه و کفین از زینت ظاهری است و از «و لایبدین زینتهنّ» استثناء شده است و حال که استثناء شده است وجوب ستر وجه و کفین دلیل ندارد نه این که نظر به وجه و کفین زن جایز می شود و جواز ابدای وجه و کفین بر خود زن دلیل بر جواز نظر مرد أجنبی به وجه و کفین زن نیست. و لذا مرحوم گلپایگانی فرموده است: «ستر وجه و کفین بر زن احتیاط واجب است ولی نظر مرد به وجه و کفین زن بنا بر فتوا حرام است» البته مرحوم بروجردی هم این مطلب را داشت که اگر کوتاه بیاییم و قائل به جواز کشف وجه و کفین بر خود زن بشویم از حرمت نظر مرد به وجه و کفین زن أجنبیه کوتاه نمی آییم. و در کتاب الصلاة از مرحوم بروجردی نقل کرده اند که «أخیراً در بعضی از این کتاب ها یا روزنامه ها که برای هتک نوامیس مردم نوشته شده است بر این مطلب که بر زن لازم نیست کامل خود را بپوشاند، استدلال کرده اند به بعض روایات و بعض تواریخ که زنان مسلمان در صدر اسلام مواظب نبوده اند که بر حجابشان تحفّظ کنند و در جنگ به کمک مجروحین می رفتند؛ و لکن این درست نیست و حجاب در سال پنجم هجری در آیه شریفه «یدنین علیهنّ من جلابیبهنّ»که در سوره احزاب است نازل شد و بعد از غزوه خیبر بوده است و قبل از این آیه حجاب این قدر شدید نبود و بعد شدید شد»

**تفسیری دیگر از آیه ﴿وَ لْيَضْرِبْنَ بِخُمُرِهِنَّ عَلَى جُيُوبِهِنَّ﴾**

و یکی از احتمالات در آیه «ولیضربن بخمرهنّ علی جیوبهنّ» همین است که در تشریع، تدرّج بوده است و احکام به مرور تشریع شده است و هر چند این آیه دلالت کند که پوشاندن وجه و کفین لازم نیست ولی آیه دیگر نازل شده است که «یدنین علیهنّ من جلابیبهنّ». (و جواب دیگر در مورد این آیه این بود که آیه دلالت نمی کند که جلباب یا ازار را روی صورت خود نیندازید)

عمده حرف ما این است که روایت معتبره مسعدة بن زیاد دلیل بر جواز ابدای وجه و کفین است نه دلیل بر جواز نظر، و اثبات جواز نظر سخت است.

**آیه سوم**

دلیل سوم از قرآن بر وجوب ستر وجه و کفین همین آیه است که: ﴿يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِأَزْوَاجِكَ وَ بَنَاتِكَ وَ نِسَاءِ الْمُؤْمِنِينَ يُدْنِينَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلاَبِيبِهِنَّ ذلِكَ أَدْنَى أَنْ يُعْرَفْنَ فَلاَ يُؤْذَيْنَ وَ كَانَ اللَّهُ غَفُوراً رَحِيماً﴾

**که استدلال مرحوم بروجردی را نقل کردیم**: این آیه می گوید که لازم است جلباب را بر خود بیفکنند که اطلاق آن می گوید که جلباب را بر صورت خودشان نیز بیفکنند و وقتی وجوب ستر وجه و کفین استفاده شد به ملازمه حرمت نظر هم استفاده می شود.

**مناقشه أول**

**در کتاب مسأله حجاب فرموده اند که:** معنای آیه این است که: زنان مؤمنه روسری های بزرگ خویش را به خودشان نزدیک کنند. چرا؟ ایشان فرموده است که استظهار ما این است که: زنی که ملتزم به حجاب است جلبابش را محکم نگه می دارد و کسی که تشریفاتی حجاب را رعایت می کند می بینی که روسری او شل بسته می شود و گاهی باز می شود و این منشأ می شود که بفهمند این زن، زن ملتزمی نیست و این منشأ طمع أفراد ناباب می شود و قرآن می فرماید ای زنان مؤمن، نشان دهید که به حجاب التزام دارید و پاک دامن هستید «ذلک أدنی أن یعرفن بالعفاف فلا یؤذین».

**ایشان فرموده است**: أما این احتمالی که برخی از مفسرین عامه و کثیری از فقهای شیعه مطرح کرده اند که آیه می خواهد بگوید جلباب را روی صورت خود بیندازند تا معلوم شود کنیز نیستند: زیرا کنیز ها روی صورت را نمی پوشاندند و حتّی موی سرشان هم باز بود.

**این احتمال صحیح نیست زیرا:** معنایش این است که اسلام می گوید برای من آزار و أذیت به کنیز ها مهم نیست و شما زنان آزاد کاری کنید که به شما آزار نرسد و تعرّض نکنند یعنی تعرّض به کنیز ها بشود مهم نیست. لذا احتمال راجح همان احتمال أول است که مراد از آیه «ذلک أدنی أن یعرفن بالعفاف نه أن یعرفن بأنهن الحرائر» و مراد از یعرفن بالعفاف هم این شد که حجاب را به خود نزدیک کنند یعنی گره روسری را خوب ببندند.

***جواب از مناقشه***

**این مطالب ناتمام است؛**

**أولاً:** همان طور که مرحوم بروجردی فرمود «یدنین علیهنّ» به معنای نزدیک خودشان کنند، نیست و «أدنی علیه الستر» یعنی «أرخی علیه الستر» روی او افکند و در لغت هم این گونه معنا کرده اند.

**ثانیاً:** این که فرمودید «احتمال این که مراد از آیه، أن یعرفن بأنهن الحرائر، باشد صحیح نیست» را قبول نداریم زیرا اسلام راه عملی نشان می دهد برای این که زنان آزاد از اشرار در أمان بمانند.

آقای زنجانی مثال خوبی می زند؛ می فرماید اگر دزد‌هایی هستند که اگر بفهمند این شخص سیّد است اموالش را نمی دزدند و بر می گردانند حال اگر به ساداتی که به سفر می روند گفته شود عمامه سیاه را روی سر بگذارید «ذلک أدنی أن تعرفوا بالسیادة فلا یسرق أموالکم» آیا معنای این جمله این است که به دزدیده شدن أموال غیر سادات أهمیت نمی دهیم؟ این گونه نیست بلکه این، یک راه عملی است برای این که سادات بتوانند خودشان را حفظ کنند. و غیر سادات اگر عمامه سفید روی سر بگذارند که بیشتر جلب توجّه می کنند.

کنیز ها هم بی پناه بوده اند ولی زن حرّ پشتیبان داشته است و شوهر او مثل سدّ محکمی مواظب اوست. و مردم به کنیزان أهمیت نمی دادند و آن ها را برای فسق و فجور می دادند ﴿وَ لاَ تُكْرِهُوا فَتَيَاتِكُمْ عَلَى الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّناً﴾.

البته به این دلیل که کنیز ها حجاب سر ندارند ولی حر حجاب سر دارد و از خمار استفاده می کند و لذا عملاً از هم تفکیک می شدند و نیازی به «یدنین علیهنّ من جلابیبهن» ندارند، دلیل می شود که همان احتمال أول (ذلک أدنی أن یعرفن بالعفاف) که در کتاب مسأله حجاب تعیین کرده اند بهتر است. و البته برخی از کنیز ها حجاب سر داشته اند ولی التزام به آن نداشته اند و مقیّد نبوده اند که روسری خود را دقیق ببندند یعنی این طور نیست که احتمال دوم هم به طور کلی مردود باشد.

**ولی در هر صورت حرف أصلی ما این است که**: «یدنین علیهنّ» به این معنا نیست که روسری خود را به خودشان نزدیک کنند و أصلاً جلباب به معنای روسری بزرگ نیست و در جلسه قبل نیز روایت راجع به استعمال جلباب را بیان کردیم [عَنْهُ عَنِ ابْنِ فَضَّالٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ عُقْبَةَ بْنِ خَالِدٍ قَالَ: دَخَلْتُ أَنَا وَ مُعَلَّى بْنُ خُنَيْسٍ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع فَأَذِنَ لَنَا وَ لَيْسَ هُوَ فِي مَجْلِسِهِ فَخَرَجَ عَلَيْنَا مِنْ جَانِبِ الْبَيْتِ مِنْ عِنْدِ نِسَائِهِ وَ لَيْسَ‏ عَلَيْهِ‏ جِلْبَابٌ‏ فَلَمَّا نَظَرَ إِلَيْنَا رَحَّبَ فَقَالَ مَرْحَباً بِكُمَا...[[5]](#footnote-5)] و جلباب به معنای روسری بزرگ نیست بلکه به معنای پارچه بزرگ است که از عبا مقداری کوتاه تر است. و در روایت محمد بن سنان قضیه عابد را مطرح کردیم که در روایت می گوید «فدخل المدینة بجلابیبه». لذا جلباب مختص به زن نیست و به معنای روسری نیست. و در مجمع البحرین جلباب را معنا کرده است که: «الجلباب ثوب واسع أوسع من الخمار و دون الرداء».

**مناقشه دوم**

**أما جواب از استدلال به آیه:**

**أولاً:** آیه ظهور در وجوب ندارد بلکه تنها می گوید «ای زنان جلباب خود را روی خود بیندازید و این، نزدیکترین و راحت ترین کار است برای این که بفهمند شما زن عفیف یا زن آزادید و شما را آزار نکنند و این نکته ظهور این آیه را در وجوب از بین می برد.

**ثانیاً:** به چه دلیل ظهور «أدنی علیهم» این است که حتّی بر صورت خود نیز جلباب را بکشند؟ همین که جلباب را به طور کامل جلوی سر خود بکشانند که بدن خود را بپوشانند هر چند وجه پیدا باشد به این خاطر که زینت ظاهری است، «أدنی علیها من جلبابها» عرفاً صدق می کند. و در مقابل کسی است که وقتی چادر به سر می اندازد تا فرق سر او پیدا است.

**استدلال به روایات**

مهم این است که ما در حرمت نظر به روایات استدلال کنیم؛ مشکل ترین روایت صحیحه هشام و حماد و حفص است؛

وَ عَنْهُ عَنْ أَبِيهِ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ وَ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ وَ حَفْصِ بْنِ الْبَخْتَرِيِّ كُلِّهِمْ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ يَنْظُرَ إِلَى وَجْهِهَا وَ مَعَاصِمِهَا- إِذَا أَرَادَ أَنْ يَتَزَوَّجَهَا.[[6]](#footnote-6) معاصم به معنای محل النگو است.

در روایت ندارد که از روی شهوت نگاه کردن به وجه و محل النگو اشکال ندارد. مفهوم روایت این است که: اذا لم ترد أن تتزوجها ففی النظر إلی وجهها بأس.

این روایت به لحاظ سند و دلالت خوب است و نمی توان به این آسانی در آن مناقشه کرد و مرحوم خویی هم در کتاب النکاح دلالت این روایت بر حرمت نظر را قبول کرده است.

ان شاء الله در یکشنبه 5 فررودین این مطالب را دنبال خواهیم کرد.

1. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج20، ص202، أبواب مقدمات النکاح، باب109، ح5، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/20/202/%D8%A7%D9%84%D9%88%D8%AC%D9%87) [↑](#footnote-ref-1)
2. همان/حدیث 4 [↑](#footnote-ref-2)
3. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج20، ص200، أبواب مقدمات النکاح، باب109، ح1، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/20/200/%D8%A7%D9%84%D8%B0%D8%B1%D8%A7%D8%B9%DB%8C%D9%86) [↑](#footnote-ref-3)
4. سوره احزاب، آيه 59. [↑](#footnote-ref-4)
5. [المحاسن، احمد بن محمد بن خالد برقی، ج1، ص169.](http://lib.eshia.ir/15101/1/169/%D8%AC%D9%84%D8%A8%D8%A7%D8%A8) [↑](#footnote-ref-5)
6. [وسائل الشیعة، الشیخ الحر العاملي، ج20، ص88، أبواب مقدمات النکاح، باب36، ح2، ط آل البيت.](http://lib.eshia.ir/11025/20/88/%D9%85%D8%B9%D8%A7%D8%B5%D9%85%D9%87%D8%A7) [↑](#footnote-ref-6)